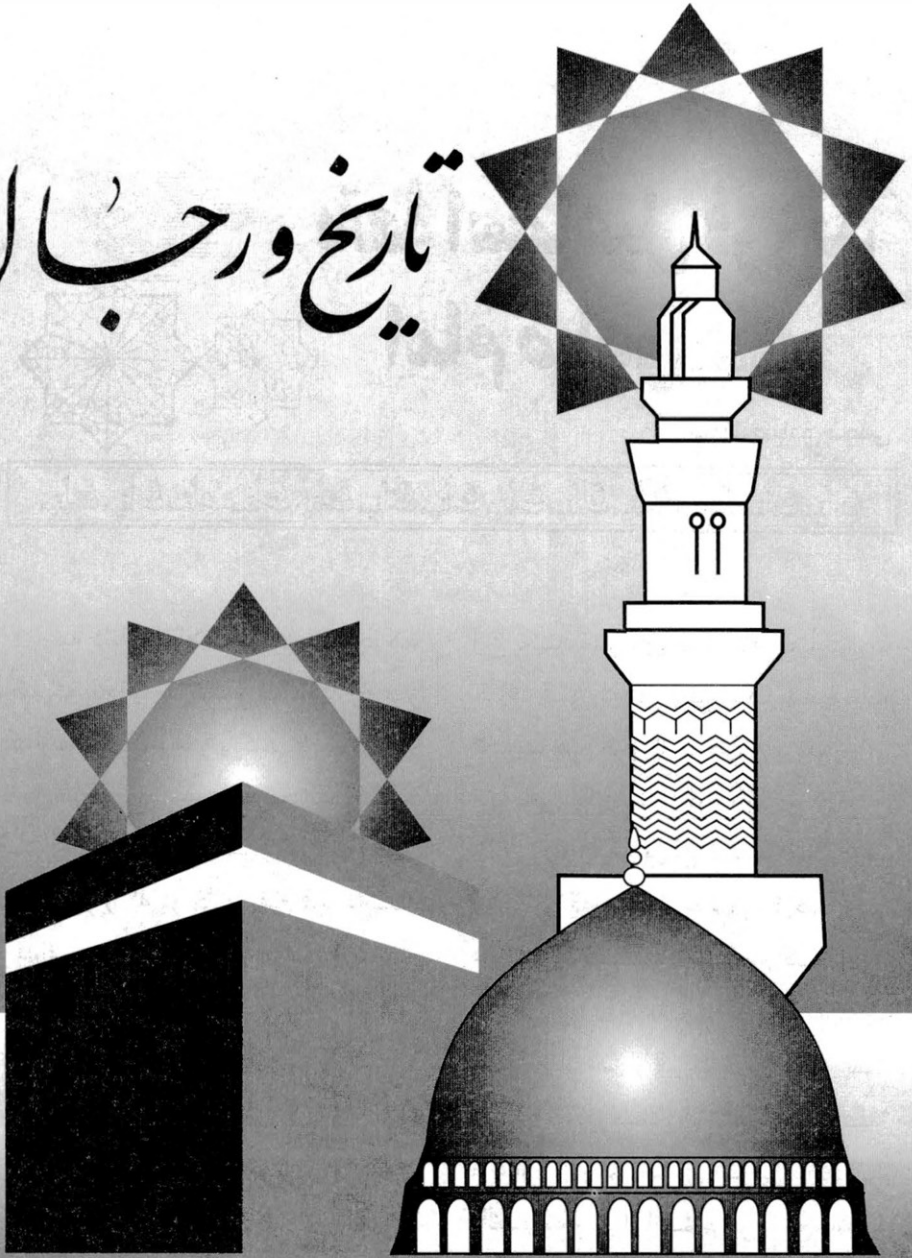
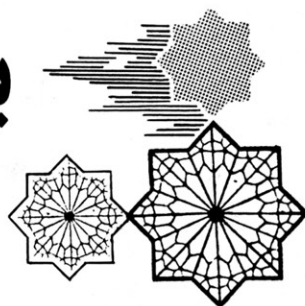


تاریخ و رحبُال



بقعه اسماعیل فرزند امام صادق - علیه السلام -



محمد صادق نجمی

مِيقَاتُ مِيقَاتُ مِيقَاتُ مِيقَاتُ مِيقَاتُ مِيقَاتُ مِيقَاتُ مِيقَاتُ مِيقَاتُ مِيقَاتُ مِيقَاتُ مِيقَاتُ مِيقَاتُ مِيقَاتُ مِيقَاتُ مِيقَاتُ

این نکته ضروری است که وهابیان بر خلاف قبور داخل بقیع - که به هنگام تخریب هیچ اثری از ساختمان و دیوار برای آنها باقی نگذاشتند - گرچه ساختمان قبور خارج بقیع را هم ویران نمودند اما به دور این قبور، که در معبر عام قرار گرفته بودند، دیواری کشیدند بدون هیچ درب و پنجره‌ای؛ از جمله آنها قبر منتسب به فاطمه بنت اسد و قبر سعد بن معاذ است. این دو قبر در شمال قبر عثمان بن عفان و خارج از رکن شمال شرقی بقیع قرار داشتند که پس از انضمام این ضلع به بقیع در سالهای اخیر دیوار موجود در اطراف آنها نیز برداشته شد. و همچنین بود قبر

به دنبال مقالات گذشته، تا آنجا که وضعیت ایجاب می‌کرد، درباره تاریخ هر یک از بقعه‌ها، گنبدها و بارگاه‌های موجود در داخل بقیع که به وسیله وهابیان تخریب گردیده است، بحث و بررسی شد. اینک تاریخ چهار بقعه دیگر را که در خارج بقیع قرار داشتند و دارای معروفیت و مورد توجه بودند، بررسی می‌کنیم و مطلب را از بقعه اسماعیل فرزند امام صادق - ع - که نزدیکترین بقعه به بقیع بوده است، آغاز می‌کنیم:

بقعه و قبر اسماعیل، آنگونه که ما دیدیم:

پیش از بیان اصل موضوع، یادآوری

اسماعیل بن امام صادق - ع - ..

در سال ۱۳۵۳ ش. = ۱۳۹۴ ق. که به حج و زیارت مدینه مشرف بودم، بقعه جناب اسماعیل در خارج بقیع و در سمت غربی آن، در محاذات قبور ائمه - علیهم السلام - به فاصله پانزده متر از دیوار بقیع قرار گرفته بود، در محوطه‌ای سه متر در سه متر، با دیواری به ارتفاع دو و نیم متر که حدود نصف آن در فضای پیاده‌رو و نصف دیگرش در داخل خیابان واقع شده بود، و اینک این خیابان جزو محوطه و میدان وسیع مسجدالنبی است و پیاده‌رو به صورت محلی مرتفع در کنار بقیع برای استفاده زائران در آمده است و چون دیوار بقعه، هیچ درب‌پنجره و منفذی نداشت وضع داخلی آن و کیفیت اصل قبر معلوم نبود و زائران از پشت دیوار و در محوطه پیاده‌رو به زیارت و دعا می‌پرداختند و گاهی در اثر ازدحام، از طرف مأموران ممانعت به عمل می‌آمد.

و در همین روزها که مشرف بودم، تخریب بخشی از سطح خیابان و توقف دستگاه‌های خاک‌برداری و آسفالت‌ریزی، در آن خیابان، حاکی از زیر سازی و توسعه این خیابان بود که به مناسبت ایام حج و کثرت جمعیت متوقف شده بود. آن سال حرکت ما به سوی مکه مصادف بود با شب اول ذی‌حجه.

انعکاس خبر کشف جسد اسماعیل:

پس از انجام مراسم حج (۱۳۵۳ ش.) و مراجعت به ایران این خبر جالب، از زبان حجاج مدینه بعد، در حوزه علمیه قم و در میان علما، در سطح وسیعی مطرح گردید که: «به هنگام زیرسازی خیابان غربی بقیع به وسیله سعودیها، جسد اسماعیل فرزند امام صادق - ع - پس از گذشت قرن‌ها، سالم کشف شده و در داخل بقیع دفن گردیده است.»

برای تحقیق موضوع، فردی آگاهتر از مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ محمد فقیهی رشتی^۱ نیافتم. در یکی از شبهای محرم، پس از نماز مغرب و عشا به دیدارش شتافتم و در منزل وی که به مناسبت تشکیل مجلس روضه، عده‌ای از علمای معروف نیز حضور داشتند سؤال مورد نظر را مطرح ساختم.

گر چه پس از گذشت بیش از بیست سال از ماجرا، حافظه‌ام برای ذکر جزئیات مطالبی که ایشان پیرامون این حادثه جالب بیان نمودند یاری نمی‌کند، لیکن خلاصه گفتار ایشان در تأیید و تثبیت این خبر بود که هم برای حاضران و هم برای حقیر اطمینان بخش و جالب بود، به طوری که در صحت موضوع جای شک و تردید باقی

نمی‌گذاشت و بدینگونه خبر این حادثه به وسیله یکی از افراد مطلع و معتمد مورد تأیید قرار گرفت.

تأیید دیگر:

در سال بعد (۱۳۵۴ ش.) باز هم توفیق تشرف حاصل گردید و در آن سال از مسائلی که در مدینه منوره توجه مرا به خود مشغول کرده بود، جریان انتقال پیکر اسماعیل به داخل بقیع و مدفن جدید وی بود. در خارج بقیع هر بیننده‌ای متوجه می‌شد که از بقعه اسماعیل - که تا سال ۱۳۵۳ ش. (= ۱۳۹۴ ق.) در کنار خیابان و در جوار بقیع قرار داشت دیگر اثری باقی نمانده است.

اسماعیل در کجا دفن شد؟

در همین سال کنار قبور شهدای حره واقع در بقیع، که در میان عوام به «شهدای احد» معروف است، مشغول خواندن زیارت و عرض ارادت و احترام بودم که متوجه شدم در فاصله چند قدمی، یکی از زیارتنامه خوانهای بومی، با گروهی از زائران آفریقایی در کنار قبری ایستاده و با صدای بلند می‌خواند: «السلام علیک یا اسماعیل بن الإمام جعفر الصادق...» به سرعت به

طرفش رفتم و دستش را گرفته، گفتم: «سال قبل که ما مشرف بودیم قبر اسماعیل را در بیرون بقیع زیارت کردیم شما چطور این محل را به عنوان قبر وی معرفی می‌کنید؟! پاسخ داد: آری قبر وی قبلاً در همان محل بود ولی در توسعه و زیر سازی خیابان، پیکر او را سالم یافتند و به همین محل منتقل و در اینجا دفن نمودند. در اطراف قبر جدید اسماعیل قطعه سنگهای بزرگی نصب شده بود و آن را از سایر قبور مشخص و متمایز می‌ساخت و محل دقیق آن در سمت شرقی قبور شهدا، به طرف قبر حلیمه سعیدیه و دقیقاً به فاصله ده قدم معمولی - ۱۰ متر - است و بعد از آن سالها مشخص مورد توجه و محل دعا و زیارت افراد با اطلاع بوده است لیکن متأسفانه اخیراً در اثر جابجا شدن قطعه سنگها و ایجاد پیاده‌رو میان این قبر و قبور شهدا و از بین رفتن نشانه‌های موجود، این نگرانی وجود دارد که مانند قبور شخصیتها و بزرگان دیگر، به طور کلی فراموش از خاطره‌ها محو شود!

به هر حال وجود این قبر دلیل روشنی بر صحت جریان و حاکی از کشف شدن پیکر جناب اسماعیل بطور سالم است؛ زیرا با بینش خاصی که علمای وهابی

«این حرم را بعضی از ملوک و سلاطین فاطمی مصر بنا کرده‌اند».

همین جمله را شیخ احمد عباسی از مدینه شناسان قرن یازده نیز بدون انتساب به مطری آورده است.^۳

گفتنی است که سلطنت خاندان فاطمیها در مصر از سال سیصد و دو شروع و تا سال پانصد و شصت و چهار ادامه داشته است^۴ و به مناسبت این که نام مؤسس این سلسله «عبیدالله» بوده، به آنان «عبیدیون» نیز می‌گویند.^۵

تعمیر حرم اسماعیل در سال پانصد و چهل و شش

سمهودی به دنبال گفتار قبلی‌اش چنین ادامه می‌دهد: در کنار درب وسطی مرقد جناب اسماعیل که به میدان باز می‌شود، قطعه سنگی نصب گردیده است که در آن این جملات حکاکی شده است: «عمره حسین بن ابي الهیجاء سنة ست وأربعین وخمسائة»

سمهودی سپس می‌گوید: شاید مطری به استناد همین قطعه سنگ و اثر تاریخی، بنای این ساختمان را به فاطمیها نسبت داده است؛ زیرا ابن‌ابی‌الهیجاء از سوی آنان بر حجاز حکومت می‌کرده است.

در تعمیر و تجدید قبور دارند و آن را جزو اعمال حرام و غیر مشروع می‌دانند، احداث چنین قبری بدون صحت قضیه، نه قابل قبول است و نه توجیهی برای آن متصور است.

مرقد جناب اسماعیل دارای قدیمی‌ترین و بزرگترین ساختمان بود

پس از نقل تاریخ انتقال قبر و جسد جناب اسماعیل به داخل بقیع، به بیان تاریخ بنا کیفیت حرم این سلاله رسول خدا - ص - و فرزند امام هدی - ع - می‌پردازیم:

آنچه از منابع تاریخی و مدینه شناسی به دست می‌آید، این است که این مرقد شریف دارای دو خصوصیت بارز و مشخص نسبت به سایر قبور و مراقد موجود در داخل بقیع بوده است:

- ۱ - قدمت و داشتن تاریخی کهن.
 - ۲ - وسعت و بزرگی این حرم شریف.
- سمهودی (متوفای ۹۱۱) در مورد قدمت این بنا، از مطری که از مدینه شناسان قرن هفتم است، چنین نقل می‌کند که:

«بناه بعض الغبیدیین من ملوک مصر»^۶؛

بوده، قلعه به آن متصل گردیده است و دربی برای حرم از داخل مدینه (داخل سور) باز می‌گردد.»

۲ - درب وسطی که به طرف میدان و خارج قلعه شهر باز می‌شد؛ سمهودی می‌گوید: «وعلى باب المشهد الأوسط الذي أمامه الرحبة التي بها البئر التي يتبرك بها حجر فيه أن حسين بن ابي الهيجاء عمّره سنة ست وأربعين وخمسائة.»

۳ - درب آخری؛ همچنین سمهودی می‌گوید: «على يمين الداخل الى المشهد بين الباب الأوسط والأخير حجر منقوش فيه وقف الحديقة التي بجانب المشهد في المغرب على المشهد...»

از این سه جمله به وضوح به دست می‌آید که این حرم حداقل دارای سه درب بوده است؛ دربی به داخل قلعه، درب وسط و درب آخر.^۷

خانه امام سجّاد - ع -

سمهودی آنگاه از مطری نقل می‌کند که محوطه این حرم و اطراف آن از سمت شمال خانه امام زین العابدین - ع - بوده است و در سمت غربی حرم، مسجد کوچک و متروکی است^۸ که به «مسجد امام زین العابدین» مشهور است.

به هر حال از گفتار سمهودی، که هم شاهد بر قطعه سنگ تاریخی است که بیانگر تاریخ تعمیر این حرم بوده و هم نظریه مطری را نقل نموده است، می‌توان به قدمت بنای اصلی آن پی‌برد که اگر تاریخ تعمیر ساختمان این حرم را حداقل پنجاه سال پس از احداث آن بدانیم بنای اصلی ساختمان، متعلق به قرن پنجم خواهد گردید و این ساختمان هم مانند ساختمان حرم شریف ائمه بقیع از قدیمی‌ترین ابنیه مذهبی است که پس از گذشت نه قرن به وسیله وهابیان تخریب و منهدم شده است.

وسعت این مرقد شریف:

باز هم می‌پردازیم به نقل آنچه که سمهودی آن را مشاهده و بازگو نموده است: وی افزون بر این که از این حرم با تعبیر «کبیر»^۹ یاد می‌کند، برای آن سه درب معرفی می‌نماید:

۱ - درب جنوب شرقی؛ «... وهو کبیر.. وهو رکن سور المدينة من القبلة والمشرق بنى قبل السور فاتصل السور به فصار بابه من داخل المدينة.»

«این حرم بزرگ است و فعلاً در رکن قلعه شهر مدینه از سمت جنوب شرقی واقع شده چون بنای حرم قبل از احداث این قلعه



در بقیع و منسوب به خاندان پیامبر، از وسعت و عظمت بیشتری برخوردار بوده است؟ پاسخ این پرسش، با توجه به مطالب گذشته و آنچه در آینده درباره عقیده گروه اسماعیلیان خواهیم گفت، روشن است؛ زیرا اولاً: بر خلاف قبور واقع در بقیع^{۱۰}، که در یک مزار و گورستان عمومی تقریباً محدود و غیر وسیع واقع شده‌اند، مرقد اسماعیل در کنار محوطه‌ای آزاد و خانه‌های مسکونی و شخصی؛ از جمله خانه امام سجاد - ع - قرار گرفته است که با مرور زمان سمت دیگر آن به صورت باغ و نخستان در آمده و به همین مرقد وقف گردیده است.

وثائقیاً: نباید نقش سلاطین فاطمی را، که نزدیک به چهار قرن در شام و قسمتی از آفریقای شمالی و مصر حکومت داشتند و به امامت جناب اسماعیل معتقد بودند نادیده گرفت؛ زیرا طبیعی است آنها هم علاقه داشتند که در کنار گنبد و بارگاه ائمه بقیع و دیگر امامان و پیشوایان شیعه و اهل سنت در کشورهای مختلف، ساختمان حرم امام و پیشوای آنان نیز از عظمت و شکوه بیشتر برخوردار باشد.

شخصیت معنوی اسماعیل

مرحوم شیخ مفید نقل می‌کند: چون

سمهودی اضافه می‌کند: و در میان درب وسطی و آخری این حرم، قطعه سنگی نصب شده است و در آن نوشته شده: «باغ موجود در سمت غربی این حرم را حسین بن ابی‌الهیجاء به این حرم وقف نمود.» و در ذیل این وقفنامه آمده است که محوطه این حرم، خانه متعلق به امام زین العابدین است و مسجد هم منتسب به آن حضرت می‌باشد و چاه موجود در محوطه، چاهی است که از آب آن برای استشفای مریضان استفاده می‌شود.

سمهودی پس از نقل مطالب این قطعه سنگ، این جمله را هم می‌افزاید: «و نقل می‌کنند که امام محمد باقر در دوران طفولیت در حالی که پدرش امام سجاد - ع - مشغول نماز بود به داخل چاه افتاد ولی امام سجاد نمازش را قطع نکرد.» سمهودی آنگاه از گفتار ابن شُبّه (متوفای ۲۶۲) مؤیدی برای این مطلب می‌آورد که او نیز این محوطه را خانه امام سجاد معرفی نموده است.^۹

انگیزه وسعت حرم جناب اسماعیل

ممکن است این پرسش در ذهن خواننده به وجود آید که حرم جناب اسماعیل چرانسبت به حررها و مقابر موجود

اسماعیل - رحمة الله علیه - کسانی که گمان می‌کردند او در آینده به مقام امامت خواهد رسید، به اشتباه خود پی‌بردند و از عقیده خویش برگشتند ولی تعداد اندکی از کسانی که در مناطق دور زندگی می‌کردند و رابطه با شخص امام و اصحاب آن حضرت نداشتند، در عقیده خویش مبنی بر زنده بودن اسماعیل و امامت وی بعد از امام صادق باقی ماندند.

پیدایش مذهب اسماعیلیه

شیخ مفید می‌نویسد: پس از شهادت امام صادق - ع - گروهی از همان افراد، راه حقیقت را دریافتند و از عقیده به حیات و امامت اسماعیل منصرف و به امامت حضرت موسی بن جعفر - ع - معتقد گردیدند و در این عقیده نماند مگر تعدادی اندک و نادر که آنان هم به دو گروه تقسیم شدند: گروهی وفات اسماعیل را پذیرفتند لیکن بر این عقیده بودند که به هر حال او شایسته امامت بود نه برادران دیگرش و پس از مرگ او و مرگ پدرش، این مقام به فرزند او «محمد بن اسماعیل» منتقل می‌شود نه برادرش «موسی بن جعفر»! بنابراین به امامت «محمد بن اسماعیل» معتقد گردیدند.

اسماعیل در میان هفت فرزند ذکور امام صادق - ع - از نظر سن بزرگترین آنان و از لحاظ لیاقت و شایستگی از مقام ارجمندی برخوردار بود و لذا محبت، عنایت، اعزاز و اکرام آن حضرت را بیش از بقیه به سوی خود جلب کرده بود و به همین دو جهت عده‌ای از شیعیان امام صادق فکر می‌کردند پس از آن بزرگوار، امامت به وی منتقل خواهد شد ولی او در حال حیات پدر بزرگوارش در عریض^{۱۱} از دنیا رفت و تابوتش بر روی دوش مردم به مدینه منتقل و در کنار بقیع دفن گردید.

شیخ مفید می‌افزاید: و روایت شده است که امام صادق - ع - در مرگ این فرزند جزع و بی‌تابی زیاد می‌نمود و به شدت اندوهگین بود؛ به طوری که در پیشاپیش جنازه‌اش، با پای برهنه و بدون عبا حرکت می‌کرد و به هنگام تشییع دستور داد چندین بار تابوت را بر زمین نهادند و کفن از صورت فرزندش کنار زد و به صورتش تماشا نمود. منظور آن حضرت از این عمل این بود که مرگ اسماعیل بر همگان معلوم شود و برای کسی در مرگ وی شک و شبهه‌ای باقی نماند و این فکر که شاید او امام پس از پدرش باشد، بکلی از ذهنها زدوده شود. از این رو پس از مرگ

فاطمیها در آفریقا و مصر، که از پیروان اسماعیلیه بودند، می‌گذشتصیت آنان در همه کشورهای اسلامی از نظر قدرت و اعمال قوانین اسلامی گسترده بود. گفتار این دو بزرگوار که در زمان آنان اسماعیلیه را یک فرقه اندک و غیر قابل ذکر معرفی نموده‌اند، جای ابهام و محل بحث و تحقیق است که آیا فاطمیان در آن دوران، به عنوان «اسماعیلیه» معروف نبودند؟! و این انتساب و اشتها بعدها به وجود آمده است و یا مسأله دیگری است؛ زیرا نمی‌توان گفتار شخصیتی مانند شیخ مفید این استوانه بزرگ علمی را ساده تلقی نمود و از کنار آن گذشت.

به هر حال، مذهب اسماعیلیه نیز مانند بیشتر مذاهب دیگر در طول تاریخ، فراز و نشیبهایی را پشت سر گذاشته است و امروز در تعدادی از کشورها به خصوص در هندوستان گروهی از این مذهب پیروی می‌کنند و به نام «اسماعیلیه» معروفند.

اما بعضی از آنها در عقیده به حیات اسماعیل ثابت و پابرجا ماندند، و این هر دو گروه را اسماعیلیه می‌گویند.

مفید - رضوان الله تعالی علیه - اضافه می‌کند امروزه تعداد پیروان اسماعیلیه اندک است و چندان قابل توجه نیست و آنچه امروز از عقیده آنان معروف است، این است که به عقیده اسماعیلیه، امامت پس از اسماعیل بن امام صادق در میان فرزندان او، تا قیامت نسل به نسل باقی خواهد ماند.^{۱۲}

همین مطالب را مرحوم طبرسی حرف به حرف در «اعلام الوری»^{۱۳} بدون ذکر مأخذ درباره عقیده و تاریخ پیدایش اسماعیلیان آورده است.

لازم به ذکر است با توجه به این که در زمان فوت مرحوم شیخ مفید (۴۱۳ هـ) و همچنین در زمان مرحوم طبرسی (قرن ششم)، به ترتیب بیش از یک قرن و دو قرن و نیم از تأسیس حکومت و سلطنت

● پی نوشتها:

- ۱ - مرحوم حاج شیخ عبدالحسین نجفی رشتی، معروف به «فقیهی» از علمای اعلام و شخصیت‌های برجسته حوزه علمیه قم، عالمی کامل و فقیهی از بیت فضل و کمال و صاحب شرح بر مکاسب و کفایه می‌باشد که سالیان متمادی از طرف مرحوم آیت‌الله العظمی آقای بروجردی در موسم حج برای پاسخ‌گویی به مسائل شرعی و مراجعات حجاج، عازم حج می‌شد و پس از ارتحال آن مرجع بزرگ و تا اواخر دوران زندگیش این روش را ادامه داد. (رحمة‌الله‌علیه)
- ۲ - وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۲۰
- ۳ - عمدة الأخبار، ص ۱۵۸
- ۴ - دائرة المعارف وجدی، ج ۷، صص ۳۲۵ - ۳۱۴
- ۵ - دائرة المعارف وجدی، ج ۷، صص ۳۲۵ - ۳۱۴
- ۶ - همانگونه که در «رسائل فی تاریخ المدینه» ص ۱۰۲، آمده است: «وفي الجهة الشرقية، قبة كبيرة فيها مرقد سيدنا اسماعيل... البقيع».
- ۷ - وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۲۰
- ۸ - سمهودی می‌گوید این مسجد در سال ۸۸۴ تجدید بنا شده است.
- ۹ - سمهودی متن گفتار ابن شبه را در ضمن هفت سطر از وی نقل نموده است ولی در نسخه موجود از کتاب وی «تاریخ المدینه» چنین مطلبی به دست نیامد و این گفتار مصحح این کتاب را تأیید می‌کند که نسخه موجود از یک نسخه خطی که در آن سقط و تشویش فراوانی وجود داشته چاپ شده است.
- ۱۰ - به استثنای قبور ائمه چهارگانه که از ابتدا در خانه شخصی و متعلق به عقیل واقع گردیده است.
- ۱۱ - غریض بضم اول روستای سرسبزی است که در بین مدینه و اُحد در سمت راست جاده و نزدیک به احد واقع شده است. علی‌العریزی یکی دیگر از فرزندان امام صادق - ع - و از راویان حدیث در این محل مدفون و قبرش معروف است. امام صادق - ع - و فرزندان او در این روستا دارای باغ و نخلستان بودند. ما در سال ۷۰ ش. با عده‌ای از همسفران برای زیارت علی‌العریزی به این روستا رفته و دقایقی در آنجا به سر بردیم. ساکنین آنجا را شیعیان تشکیل می‌دهند.
- ۱۲ - ارشاد شیخ مفید، ص ۲۸۵، چاپ بصیرتی قم.
- ۱۳ - اعلام الوری، ص ۲۸، چاپ اسلامیة تهران.